

◀ پیشرفت شهرک بزرگ صنوف و
واحدهای آلاینده شهری در بندرعباس

◀ سهم بانوان از فوتسال هرمزگان
فقط یک عکس یادگاری

◀ فاطمه دژگانی، نخستین زن میراث
بان و میراث پژوه هرمزگان

دژبان فرهنگ جنوب

نگاهی به کارنامه بانو «فاطمه دژگانی» به بهانه هفتمین سال آسمانی شدن او

دژگانی، زنی میراث بان و میراث پژوه

عبدالرضا دشتی زاده

زنان در خلق هنرهای بومی و جنبه‌های مختلف میراث ناملموس جزیره‌ی قشم، نقش بسیار پر رنگی دارند؛ آنها باورها و اعتقادات خود را در قالب آیین‌ها و سنت‌ها حفظ می‌کنند و این کار خود به تقویت و تداوم فرهنگی جامعه منجر می‌شود. شاید در قسمت‌های مختلف کشور، مردان خالق بسیاری از هنرهای سنتی باشند، اما در جزیره‌ی قشم این زنان هستند که به خلق و آفرینش فرهنگ می‌پردازند؛ انواع هنرهای مربوط به رودری پوشاک از زری‌بافی تا گلابتون، شک‌بافی و ... نکته دیگر در ارتباط با هویت فکری جزیره پیوستگی حضور زنان و میراث آب است. برای روشن شدن این پیوستگی ارتباط بی بی و برکه ها در روایت های بومی آب جزیره ناگستنی است.

دژگانی نه تنها نقش میراث بانی را می‌دانست، فراتر از همه با نگارش کتاب های ارزشمند می توان او را یک میراث پژوهش برجسته زن در خلیج فارس و جزیره قشم دانست. ایشان در کنار مادر بودن و وظایف سنگین زندگی، با مستند نگاری بخش های مختلف میراث ناملوس همه را در شناخت هویت فکر بزرگترین جزیره خلیج فارس یاری رساند. در نوشته های ایشان می توان با جنبه های مهم میراث هنری زنان جزیره بیشتر آشنا شد. میراث غذایی و تهیه انواع خوراک های محلی (پودنی، میگ، هواری و...) و حتی طعم و بومی ادویه های معطر هندی و آفریقایی در لایه لای کتابهایش احساس می شود. لالایی و واسونک های جزیره و میراث ادبی در نوشته های ایشان بسیار پر رنگ است. روشن است در نوشته هایش در مورد میراث

زنان عمق شناخت دیده می شود. وقتی از زیورآلات قدیمی (پدري، بَنگري، ميل، کیره و...)، چله (حجله)، هاش (آسیاب دستی)، جنبر (حنا) و عیش (عروسی)، مشاطه و اشعار بایسینک (واسونک) را شرح می دهد، در میابید که ایشان با تجربه زیستی و نگاه عمق توانسته نقش واقعی زن جزیره معرفی کند. او به درستی به ارتباط زنان و میراث آب پی برده است. ایشان بی بی های مهم جزیره که برکه های زیادی را برای خیر برای مردم ساختند را به خوبی شناخته و معرفی می کند. ایشان هنرهای مختلف زنان جزیره بر روی پارچه ها و انواع هنرهای مربوط به رودری پوشاک از زری‌بافی تا گلابتون، شک‌بافی، خوس بافی و... را درک کرده و با جزئیات معرفی می کند. خدا ایشان را بیامزد و جنت فردوس نصیبش گردد.

پروسی منشأ افول اعتبار یکی از مهم ترین ستون های هویتی صنعت دریایی ایران؛

ایزوایکو در یک قدمی سقوط

امیدساحل

مجمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران، بزرگ ترین زیرساخت دریایی کشور، در سال ۱۳۵۴ بر بندرعباس آغاز به کارکرد و اکنون نزدیک به نیم قرن از حیات آن می‌گذرد. این مجموعه در طول عمر خود فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است؛ از روزگاری که به طعنه «کشتی نسازی» خوانده می‌شد تا دوره‌هایی که با رکوردشکنی‌های پی‌درپی، موتور محرک صنعت دریایی کشور بود و نامش مترادف با توان فنی، سرعت و نوآوری به گوش می‌رسید. اما امروز پرسش اساسی این است: در ایزوایکو چه می‌گذرد و چرا حال صنعت دریایی کشور نگران کننده توصیف می‌شود؟ در همین رابطه با رئیس شورای استان هرمزگان گفتگو کرده ایم. «عباس جمالدینی» با بیان اینکه وضعیت کنونی کشتی سازی به گونه‌ای است که وقتی از دوران پررونق گذشته حرف می‌زنیم، انگار به سال‌هایی آن‌چنان دور اشاره داریم که دست‌نیافتنی هستند؛ اضافه کرد: «باید منشأ افول اعتبار یکی از مهم ترین ستون های هویتی صنعت دریایی ایران و احساس فراگیر فرسودگی، توقف و بی‌اعتمادی بررسی شود. نمی‌توان همه چیز را به شرایط اقتصادی و تحریم‌ها نسبت داد، واضح است که دلایل دیگری در میان است».

ایزوایکو چه بود و به کجا رسید

رئیس شورای استان هرمزگان گفت: «در مقطعی ضرابان کارگاه‌ها در ایزوایکو تند بود و نیروها با انگیزه کار می‌کردند. اغلب پروژه‌ها نیز در زمان‌های تعیین شده به پایان

می‌رسیدند. آبگیری و تعمیرات شناورهای بزرگ و سنگین، از کلاس‌های مختلف، در حوض خشک ایزوایکو ظرف ۲۵ تا ۳۵ روز به انجام می‌رسید. اما در سال‌های اخیر شاهد افول در حوزه تعمیرات بودیم به گونه‌ای که تعمیرات دوره‌ای شناورها تقریباً به بیش از سه برابر زمان اوج کشتی‌سازی رسید». جمالدینی اضافه کرد: «متأسفانه در دوره «آقای سلمان ضربی» نیروهای متخصص یکی یکی کنار رفتند و فروریختن دیوار اعتماد به ایزوایکو را در این دوره شاهد بودیم. تعمیرات طولانی‌تر شد، کیفیت کاهش یافت و نارضایتی کارفرمایان به تدریج افزایش پیدا کرد. افت تدریجی پذیرش شناور و سیر صعودی زمان تعمیرات در دوره «سعید جعفری» نیز ادامه داشت و حتی سیر نزولی‌تری به خود گرفت». رئیس شورای استان هرمزگان گفت: «ایزوایکویی که امروز در بحث تعمیرات زمین‌گیر شده است، زمانی علی‌رغم تحریم‌ها، کشتی‌های اقیانوس‌پیما، شناورهای گردشگری، شناورهای پشتیبان صیادی، شناورهای جمع‌آوری آلودگی‌های نفتی و همچنین بارج‌ها و لندینگ کرافت‌ها در این مجموعه ساخته می‌شد و اعتباری ملی داشت». این مقام مسئول با تاکید بر اینکه مسئله امروز این صنعت نشدن‌ها نیست بلکه نخواستن است، عنوان کرد: «پیش‌تر نیز مجموعه کشتی‌سازی در آستانه ورشکستگی قرار داشت؛ بدهی‌های انباشته، تعهدات سنگین اجراننده و ساختار مالی متزلزل، این مجموعه را در آستانه ورشکستگی قرار داده بود. حتی شرایط به قدری وخیم بود که مرحوم نعیم‌آبادی امام جمعه وقت بندرعباس، با لحنی آمیخته به گلایه و طنز تلخ، شرکت را

«کشتی نسازی» خواند؛ لقبی که بازتابی از بی‌اعتمادی عمومی و آشفتگی در آن روزها بود؛ اما همان مجموعه نحیف و درهم‌ریخته، با تلاش شبانه‌روزی، انضباط کاری و همدلی کارکنان، در چند سال بعد عملکرد بهتری به جا گذاشت». جمالدینی با بیان اینکه غم‌انگیز است که بگوئیم عملکرد ایزوایکو با آن عظمت از یک کشتی‌سازی کوچک‌تر و محدودتر در بوشهر ضعیف‌تر است، افزود: «در گفتگویی که با تعدادی از کارکنان این مجموعه داشتم، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای دیده نمی‌شود. مدیریت فعلی تاکنون که تغییری در مسیر ایجاد نکرده و همان راه را ادامه می‌دهد؛ مدیریت پروازی و از راه دور، تصمیم‌گیری‌های گزینشی و حلقه محور». رئیس شورای استان هرمزگان با بیان اینکه روزگاری حوزه آفشور، یکی از پررونق‌ترین گروه‌های ایزوایکو بود و ایزوایکو معتبرترین برند کشور در حوزه آفشور، گفت: «حوزه‌ی پررونق آفشور در دوره اخیر مدیریتی به حالت نیمه تعطیل و در زمان مدیریت جعفری بدون هیچ‌گونه فعالیت اجرایی تعطیل مانده است».

نیروی انسانی؛ سرمایه‌ای که از دست رفت

رئیس شورای استان هرمزگان پیرامون افول کشتی‌سازی و لطمه‌ای که به سرمایه‌انسانی آن زده شد، گفت: «در ایزوایکو متأسفانه لطمات غیرقابل جبرانی به پیکره نیروی انسانی وارد شده است. روندی که از دوره آقای ضربی آغاز شد و متأسفانه در دوره جناب جعفری نه تنها متوقف نشد، بلکه شدت بیشتری پیدا کرد. در ادوار گذشته مدیریتی مجموعه شاهد سیاست‌ها و رفتارهایی بود

که ریشه در سلیقه، حذف غیر هم‌فکران و ایجاد حلقه‌های محدود مدیریتی بود و نتیجه این رفتارها قطع همکاری ۱۵۰ نفر از نیروهای متخصص، آزموده و تربیت‌شده با ایزوایکو شد؛ نیروهایی که سال‌ها تجربه میدانی و دانش فنی خود را در این مجموعه به دست آوردند در شرکت‌های رقیب مشغول به کار شدند». جمالدینی در پاسخ به اینکه به نظر شما چه اتفاقی در این مجموعه رخ داده که قطع همکاری اکثر نیروهای متخصص را باعث شده است؟ گفت: «در دوره مدیریتی آقای جعفری بنابر اطلاع بنده نه تنها زخم‌های گذشته التیام نیافت، بلکه عوامل تازه‌ای هم به آن اضافه شد. تأخیرهای مکرر در پرداخت حقوق کارکنان، قطع شدن بی‌درپی بیمه تأمین اجتماعی فضایی از دلخوری و بی‌اعتمادی ایجاد کرد. در کنار این مسائل، سیاسی‌کاری‌های آشکار، انتصاب‌های سفارشی و کنار گذاشتن نیروهای متخصص، ترکیبی را ساخته که نتیجه آن امروز در روحیه کارکنان مجموعه کشتی‌سازی به وضوح قابل مشاهده است». رئیس شورای استان هرمزگان ضمن تاکید بر اینکه با روندی که ایجاد شده، بعید به نظر می‌رسد با سبک مدیریتی کنونی و مسیری که در پیش گرفته شده این مجموعه توفیق چندانی به دست آورد، افزود: «مدیریتی که در آن صدای متخصصان شنیده نمی‌شود، نشانی از برنامه‌ریزی بلندمدت دیده نمی‌شود و حرکتی در جهت ترمیم شکاف‌ها و ایجاد اعتماد دوباره صورت نگرفته است؛ بعید به نظر می‌رسد سرانجام درخشانی داشته باشد». جمالدینی در پاسخ به اینکه آیا مسئله نبود بودجه است، گفت: «در شرایطی کنونی

حتی اگر منابع مالی و پروژه‌های تازه‌ای به شرکت تزریق شود، نبود هم‌دلی، کمبود انگیزه و تضعیف هویت سازمانی انجام پروژه‌ها را ناممکن می‌سازد».

آیا یک مسیر از پیش طراحی شده در جریان است؟

این مقام مسئول با ترسیم روندی که کشتی‌سازی طی سه دوره مدیریتی آخر پشت سر گذاشته است، گفت: «این روندها کنار هم تصویری را می‌سازد که به سختی می‌توان آن را تنها اتفاق یا ضعف مدیریتی دانست. یا ضعف‌هایی چنین مشهود را ندید و واکنشی بایسته نشان نداد. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر پروژه‌ای نانوخته در حال اجراست طرحی برای رساندن ایزوایکو به نقطه‌ای که دیگر قادر به ادامه حیات نباشد و در نهایت ناچار شود به بخش خصوصی واگذار گردد». رئیس شورای استان هرمزگان با بیان اینکه زرمه‌هایی در محافل درباره این موضوع به گوش می‌رسد، افزود: اگر هم این واگذاری مطرح باشد برای نجات صنعت نیست، بلکه برای تأمین منافع گروهی محدود انجام می‌شود. این موضوع به دلیل حساسیت‌ها هنوز به مرحله رسمی نرسیده، اما مسیری که شرکت در آن حرکت می‌کند، همان مسیر است». ایزوایکو روزی نقطه‌آتکای صنعت دریایی ایران بود؛ امروز اما در نقطه‌ای ایستاده که اگر روند فعلی متوقف نشود، نه با یک حادثه ناگهانی، بلکه با یک طراحی آرام و حساب شده، به سمت سقوط هدایت خواهد شد. از شرکتی پویا و سودآور تنها نامی باقی می‌ماند و نهایتاً در قالب واگذاری، سرنوشت آن در دستان عده‌ای خاص رقم خواهد خورد.



به بهانه هفتمین سال آسمانی شدن «بانوفاطمه دژگانی»؛

«مادر-راوی» فرهنگ دریایایه هرمرزگان

مهدی ده دار

پژوهشگر پیشرفت دریایایه

دی ماه ۱۴۰۴ که در پیش است، هفتمین سال آسمانی شدن فاطمه دژگانی معروف به «مادر-راوی جزیره قشم» است؛ بزرگ بانویی که در زمره زنان موفق و مطرح استان هرمزگان در حوزه فرهنگ و دانش بومی، به شمار می‌رود. اغراق و مبالغه نخواهد بود اگر جایگاه فرهنگی و اجتماعی ایشان را در سطح استانی، به عنوان «مادر میراث و

مستولان و متولیان فرهنگی خط بطلان بکشیم، اما واقعا طی چند دهه اخیر در امر نکوداشت زندگان و پاسداشت یاد و خاطره درگذشتگان حوزه مفاخر خلیج فارس، پایتخت نشینان همیشه مدعی گفتمان «برند ملی ایران» و «برند جهانی خلیج فارس» ستاد مرکزی و همچنین نمایندگان آن‌ها در مجموعه های استانی وزارت میراث فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد، وزارت علوم، وزارت ورزش و جوانان، وزارت



آموزش و پرورش، معاونت علمی ریاست جمهوری، بنیاد ملی نخبگان، دانشگاه ها، پژوهشکده ها، سازمان تبلیغات، حوزه های علمیه، صداوسیما، بنیادها و انجمن های علمی کشوری، نهادهای عمومی از جمله شهرداری ها، کتابخانه های عمومی، کانون پرورش فکری و ده ها مجموعه دیگر در سطح ملی و استان هرمزگان، چه گلی بر سر فرهنگ و هنر مردمان ساحل نشین خلیج

فرهنگ بومی هرمزگان» توصیف و قلمداد کنیم. این بانوی محقق و نویسنده، نزدیک به ۲۰ اثر مکتوب برای شناساندن فرهنگ، آداب و رسوم جزیره جهانی قشم و منطقه تمدنی خلیج فارس به نگارش درآورد. سرانجام، در ۲۳ دی ماه ۹۷ در سن ۸۲ سالگی، پس از تحمل مدت ها رنج بیماری درگذشت. بدون آنکه بخواهیم با دوری از دایره انصاف، بر اندک کارهای انجام شده

بر تقویت هویت ملی و بازشناسی هویت فرهنگی و تمدنی خلیج فارس، سکان کشتی مطالبه گری و پرسشگری را ابتدا از درون محافل خانوادگی و شهروندی و سپس به ساحت مدرسه و دانشگاه و اداره و محل کار و در ادامه نیز به ساحت فرهنگ عمومی، حتی سطوح حکمرانی محلی و حتی حاکمیت ملی، بینش افزایی و فرهنگ گستری نمایند.

خلاصه این ایده به قول مولانا:

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید
تو یکی نه ای، هزاری، تو چراغ خود برافروز
که یکی چراغ روشن، ز هزار مرده بهتر
که به است یک قد خوش، ز هزار قامت کوز



فاطمه دژگانی، پژوهشگر و نویسنده برجسته هرمزگان و راوی فرهنگ و تاریخ جزیره قشم

پی نوشت: ایران دژگانی که بود و چرا این بانوی والامقام برای حوزه مطالعات خلیج فارس و فرهنگ دریایایه یک شخصیت مهم و جریان ساز است؟

فارس زده اند!
این همه دستگاه و نهاد فرهنگی بودجه بگیر، باید به طور دقیق و شفاف و مستند در رسانه ها توضیح دهند که دقیقا کجای این ماجرا برای رسالت گری سازمانی و انجام تعهدات قانونی و الزامات وظایف بدیهی خود در امر مهم پژوهش، پوششگری، گفتمان سازی، اجرای رویداد، نهادسازی، تولید محتوای مخاطب پسند و به طور خلاصه بازنمایی «فرهنگ اصیل دریایایه» قرار دارند. در این کنشگری مستولان و مدیران ارشد استان، دستکم انتظار این است که با تکیه بر جریان سازی درون زا و امر مطالبه گری مردم محور، شرایط پیش رو به گونه ای رقم بخورد که با غریالگری درست مدیران، خادم و خائن در امر فرهنگ و اقتصاد دریایایه، مشخص شوند، خادمان پاداش گرفته و در مسیر ارتقای سازمانی، ارج یابند و خائنان تنبیه و متنبه شوند. شاید بدین گونه، در افکار عمومی و اذهان خسته مردم این سرزمین نیز اندکی از گرد و غبار ناامیدی ها و بیم ها در بزرگترین و مهم ترین استان ساحلی و دریایی ایران کاسته شود.

پیشنهاد کلی و ایده نخستین بنده این است که به موازات مطالبه گری و ورود جدی نهادهای نظارتی به جنبه های حکمرانی حوزه فرهنگ و اقتصاد دریایایه، در امر گفتمان سازی و به دنبال آن شبکه سازی و نهادسازی، هم لازم است که اقدام عملی صورت گیرد.

به نظر می‌رسد هر کدام از فرهنگوران، نخبگان و کنشگران جامعه محلی و یکانیکان ساحل نشینان، ساکنان جزایر و دریاپیشگان دریای پارس و سواحل مکران زمین، نیز می توانند با راه انداختن یک جریان مدنی و پویای اجتماعی مبتنی

آثار «ایران بانو» از پشت عینک مردم شناسی

علی آموخته نژاد

نویسنده و پژوهشگر فرهنگ عامه

در خوانش آثار ایران دژگانی آنچه بیش از هر چیز در مرکز توجه و اهمیت است. مردم و زندگی مردم است و این نکته به آثار او اهمیت مردم شناسانه می بخشد. توجه به زندگی مردم از منظری که برای کمتر پژوهشگری قابل دسترسی و دستیابی است. ایران دژگانی به واسطه زن بودن و مادر بودن از منظر و جایگاهی به باورها و آداب و سنن و رسوم مردم ورود پیدا می کند که شاید برای یک پژوهشگر دانشگاهی این ورود به سادگی میسر نباشد. چرا که او خود به واسطه ی یک زیست سنتی و مادرانه هنگامی که دست به قلم می برد در واقع به طور بالفعل حامل آن سنت ها و باورهایی است که دیگران در پی آنند. آثار خانم دژگانی حوزه گسترده ایی از علاقه مندی های این پژوهشگر کوشا را در بر می گیرد. که هر یک در جایگاه خود دارای

اهمیت و قابل نقد و نظر است. از آثاری که در مورد قشم و بندرخمیر نوشته تا شرح احوال شاعران و مشاهیر هرمزگان. از میان آثار مهم و ارزشمند خانم دژگانی کتاب آنچه بر ما گذشت و جن زندگان در جنوب ایران به علل مختلف برای من از اهمیت ویژه ایی برخوردار است. در کتاب آن چه بر ما گذشت نویسنده به سراغ ثبت داستان های واقعی از سرگذشت مردمی می رود. که عمری از سرگذرانده و تجربه های زیستی دارند که در معرض فراموشی است. درک اهمیت توجه به این خاطرات و ثبت و ضبط آن ها کاری است که از هر محقق ساخته نیست و ذکاوت و هوشمندی و نگاه گسترده و فراخ محقق محترم به دنیای پیرامون خود را می رساند. خانم دژگانی در این اثر ما را با حوادث و داستان هایی

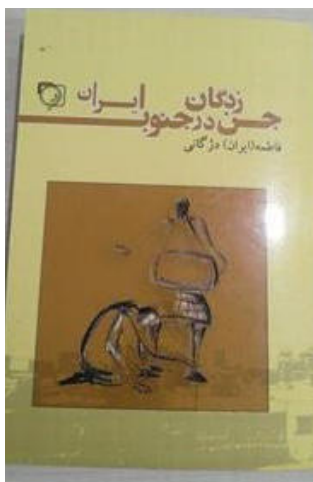
رویارو می سازد که دست یافتن به آن به سادگی ممکن نیست. ما از خلال این کتاب با زندگی و زیست، روابط آدم ها، مشکلات و مسائل آن ها در بندرعباس، قشم، میناب و بندرخمیر در دهه های بیست و سی آشنا می شویم که نویسنده با قلمی شیوا و صمیمانه به نگارش در آورده است. ازدواج زودهنگام دختران، انواع و اقسام بیماری ها، سفرهای دریایی، تهیه ی آب آشامیدنی سالم، فداکاری و گذشت مردم، گرمای هوا، اتفاقات غیرمترقبه و دور از ذهن، ارتباطات خانوادگی و فامیلی و مضامینی نزدیک به این از جمله مواردی است که نویسنده در این کتاب به آن ها پرداخته است.

در کتاب جن زندگان جنوب ایران نویسنده در پیشگفتاری بسیار جذاب و خواندنی به شرح دوران کودکی خود در محله ی قلعه

شاهی بندرعباس و سپس آشناییش با زار و اولین برخوردش با مجلس زار در سالیان کودکی هنگامی که به مکتب خانه می رفته می پردازد. نویسنده علاوه بر شرح و توصیف محیط و خاستگاه زار در میان مردم، سعی در تبیین و توضیح آن با توجه به علومی نظیر هیپنوتیزم دارد.

نویسنده همچنین در فصلی مفصل به شرح و توصیف جن از منظر روایات اسلامی و پیوندهای این باورهای دینی با مسائل ماورالطبیعه پیرامون زار دارد. که نشان از ذهن پویای نویسنده در کوشش برای فهم یک دانش غریب و ناشناخته دارد.

رجوع به آثار پژوهشگرانی نظیر خانم دژگانی به ما یادآور می شود که ما چه گنجینه های ارزشمندی از دانش ها و علوم و میراث فرهنگی در اختیار داریم که از آن ها غفلت



ورزیده ایم و ضرورت خوانش آن ها را به فراموشی سپرده ایم.

عبدالعزیز امیرزاده شمس؛

روزنامه‌نگار، بازرگان و مدیر شهری که نامش در تاریخ بندرعباس ماندگار شد



سامیه طهوریان



عبدالعزیز امیرزاده شمس، از چهره‌های فرهیخته و پرنفوذ بندرعباس، که از تحصیل‌کردگان روزنامه‌نگاری در آمریکا بود، پس از سال‌ها فعالیت در عرصه مطبوعات، بازرگانی و مدیریت شهری، نقش مهمی در توسعه و تحول اجتماعی و اقتصادی بندرعباس ایفا کرد. دوره ریاست او بر انجمن شهر و حضورش در اتاق بازرگانی، او را به یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های دهه‌های ۴۰ تا ۷۰ خورشیدی در جنوب کشور بدل ساخت.

عبدالعزیز امیرزاده شمس، متولد ۱۳۲۰ و فرزند میرهاشم شمس، از خانواده‌ای شناخته‌شده و فعال در حوزه تجارت در بندرعباس بود. او پس از گذراندن دوران تحصیل ابتدایی

و متوسطه، به‌عنوان یکی از دانش‌آموزان مستعد دبیرستان تاریخی دارالفنون تهران شناخته شد؛ نهادی که بسیاری از نخبگان ایران در آن پرورش یافتند. علاقه و استعداد او در حوزه علوم انسانی، به‌ویژه روزنامه‌نگاری، سرانجام مسیر زندگی‌اش را به خارج از کشور و ادامه تحصیل در ایالات متحده آمریکا هدایت کرد.

او پس از سفر به آمریکا، در رشته روزنامه‌نگاری از دانشگاه سیاتل و واشینگتن موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. آشنایی نزدیک او با شیوه‌های نوین روزنامه‌نگاری و فضای آزاد رسانه‌ای آن دوران، زیرساخت فکری تازه‌ای برای ورود او به عرصه مطبوعات ایران فراهم کرد. شمس پس از بازگشت به کشور، به مدت دو سال در مؤسسه کیهان، یکی از مهم‌ترین و معتبرترین نهادهای رسانه‌ای ایران، و در کنار چهره‌های برجسته‌ای چون مصطفی مصباح‌زاده و عبدالرحمن فرامری مشغول به کار شد. این حضور، نه تنها تجربه‌ای

ارزشمند برای او بود، بلکه زمینه‌ای برای ارائه طرح‌های نو و تحول‌گرایانه در روزنامه‌نگاری جنوب کشور ایجاد کرد.

پس از پایان دوران خدمت نظامی و کسب درجه افسری در سازمان ترویج و آبادانی، امیرزاده شمس به بندرعباس بازگشت. او فعالیت در تجارتخانه خانوادگی را از سر گرفت، اما این تنها بخشی از نقش‌آفرینی او در جامعه بندرعباس بود. روحیه فعال، نگاه توسعه‌محور و توان مدیریتی او باعث شد که در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان رئیس انجمن شهر بندرعباس انتخاب شود؛ مسئولیتی که با تلاش‌های چشمگیر و برنامه‌های عمرانی و اجتماعی همراه بود. عملکرد او در این دوره به حدی مثبت ارزیابی شد که در دوره بعد نیز بار دیگر به عضویت انجمن شهر درآمد.

او در جلسات انجمن شهر، با ارائه ایده‌هایی عملی و مبتنی بر شناخت عمیق از نیازهای جامعه شهری، توانست اعتماد مردم و همکاران خود را جلب کند. نگاه



او به توسعه شهری، تلفیقی از تجربه‌های بین‌المللی و شناخت بومی بود؛ همین موضوع موجب شد بسیاری از طرح‌های پیشنهادی او اثراتی ماندگار بر مدیریت شهری بندرعباس بر جای بگذارد. امیرزاده شمس علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی، در

عرصه اقتصادی نیز نقش مهمی داشت. او مدتی به‌عنوان نماینده شرکت کشتیرانی لوانت اکسپرس در بندرعباس فعالیت کرد و همچنین در حوزه ترخیص کالا تجربه‌های برجسته‌ای از خود بر جای گذاشت. ورود او به اتاق بازرگانی بندرعباس، مرحله‌ای جدید در زندگی حرفه‌ای‌اش بود. در سال ۱۳۷۰، به‌عنوان نماینده اتاق بندرعباس در اتاق ایران انتخاب شد و طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ در چندین دوره به‌عنوان رئیس و عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی، نقش مؤثری در توسعه اقتصادی منطقه ایفا کرد. عبدالعزیز امیرزاده شمس سرانجام در سال ۱۳۹۵ چشم از جهان فرو بست، اما کارنامه درخشان او در عرصه مطبوعات، مدیریت شهری، بازرگانی و خدمات اجتماعی، همچنان یادآور تلاش‌های مردی است که عمر خود را وقف توسعه و پیشرفت زادگاهش کرد.

برگرفته از کتاب نامک گم‌برون، اثر علی کمالی زاده

محمد کرمی



ماموریت ادامه دارد...

رسیده؛ چه بسیار پروژه‌هایی که با گزارش‌ها و تیتراهای این روزنامه به جریان افتاده یا سرعت گرفته‌اند. رسانه زمانی ارزشمند می‌شود که بتواند اثر بگذارد، و اثرگذاری بدون پایمردی ممکن نیست. اما اگر بخواهیم مهم‌ترین ویژگی‌های چهل سالگی صبح ساحل را توصیف کنیم، آن ویژگی «استمرار» است. در دورانی که بسیاری از روزنامه‌های محلی و حتی سراسری از افتادند، صبح ساحل با وجود مشکلات مالی، کمبود آگهی، گرانی کاغذ و کاهش سرانه مطالعه، همچنان منتشر شد. استمرار در انتشار نه فقط نتیجه قدرت مالی یا ساختاری، بلکه حاصل اعتقاد و تلاش نیروهایی است که عشق به روزنامه‌نگاری را بر هر سختی ترجیح دادند. چهل سالگی صبح ساحل، تنها جشن یک روزنامه نیست؛ نشانه بلوغ یک فرهنگ رسانه‌ای در جنوب ایران است. امروز جامعه هرمزگان رسانه‌فهم‌تر و مطالبه‌گتر از گذشته است، و بخش مهمی از این رشد مدیون رسانه‌هایی است که مردم را در مرکز توجه خود قرار دادند. روزنامه‌ای که چهل سال بماند، تنها یک بنگاه خبری نیست؛ بخشی از حافظه تاریخی مردم است. در پایان این چهار دهه، یاد بنیان‌گذار روزنامه، حاج قاسم کرمی، همچون چراغی بر فراز مسیر می‌درخشد. اگر او و همراهانش نمی‌ایستادند، امروز این روزنامه به این جایگاه نمی‌رسید. در کنار این ایستادگی و تحمل شرایط دشوار، تلاش بی‌وقفه نسل‌های بعدی خبرنگاران، دبیران، عکاسان، صفحه‌آراها، چاپخانه و تیم توزیع، شایسته قدردانی است. امروز، صبح ساحل نه تنها به گذشته خود می‌بالد، بلکه افق تازه‌پیش روی خود دارد. رسانه‌ای که چهار دهه دوام آورده، می‌تواند دهه‌های آینده را نیز بسازد؛ صبح ساحل متعهد است همچنان کنار مردم بماند و حرف‌های آنان را روایت کند. چهل سال گذشت، اما مأموریت همچنان ادامه دارد.

چهل سال از روزی می‌گذرد که در دوازدهم آذر ۱۳۶۴، نخستین شماره روزنامه‌ای که از ساحل هرمزگان طلوع کرد؛ روزنامه‌ای که نامش قرار بود نقطه آغازی برای یک جریان مطبوعاتی متفاوت باشد؛ صبح ساحل. روزنامه‌ای که در آن سال‌ها نه پشتوانه مالی بزرگی داشت، نه از نیروی انسانی باتجربه برخوردار بود و نه در بستری رشد می‌کرد که رسانه فهمی به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده باشد. با این حال، طی چهار دهه، نه تنها دوام آورد بلکه به معتبرترین رسانه مکتوب جنوب کشور بدل شد؛ مسیری که جز با همراهی مردم، پایمردی خبرنگاران و استقلال حرفه‌ای امکان‌پذیر نبود.

صبح ساحل در طول این چهل سال، مأموریتی ثابت را دنبال کرده است؛ بازتاب دغدغه‌های مردم هرمزگان و تلاش برای بهبود وضعیت استان. از نخستین روز، این روزنامه خود را متعهد به شفافیت، نقد، مطالبه‌گری و روایت ظرفیت‌های هرمزگان دانست. شاید مهم‌ترین عامل ماندگاری آن همین پایبندی به اصولی بوده که با جا بجایی مدیران، دولت‌ها و شرایط اجتماعی تغییر نکرد. استقلال رسانه‌ای، مهم‌ترین سرمایه‌ای است که صبح ساحل طی چهار دهه حفظ کرد و اجازه نداد که قلم خبرنگارانش در مسیر خواست گروه‌های سیاسی یا منافع خاص حرکت کند. اعتماد عمومی، نتیجه همین انتخاب سخت اما شرافتمندانه بود. در چهار دهه گذشته، روزنامه بارها نقش «آینه» را برای جامعه ایفا کرده است؛ آینه‌ای که مشکلات و ظرفیت‌ها را بی‌اغراق منعکس کرده است. چه بسیار موضوعاتی که برای نخستین بار از طریق صفحات صبح ساحل به گوش مسئولان



انسانه و انانیه راجعون

خانواده محترم جوادى

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت **مرحوم حاج ابوطالب جوادى** بزرگ خاندان و از چهره‌های تاثیرگذار در حوزه اقتصادی استان هرمزگان را خدمت شما و جامعه بزرگ بخش کشاورزی استان تسلیت عرض می‌نمایم، بدون شک یاد و خاطره و خدمات ارزنده وی برای همیشه در اذهان مردم غیور و قدرشناس هرمزگان باقی می‌ماند. از درگاه خداوند متعال برای روح بلند ایشان رحمت و مغفرت واسعه و برای بازماندگان محترم صبر و اجر مسالت می‌نمایم.

گروه رسانه ای صبح ساحل



آگهی شرکت‌های تعاونی سراسر هرمزگان در امیدساحل

تلفن پذیرش: ۰۵۰-۳۲۲۴۱۴۶۲

امیدساحل

از رونمایی تقریظ رهبر انقلاب تا تجلیل از کتابداران؛ بندرعباس میزبان روزی برای قهرمانان دانایی



کتابداران، اعضای کتابخانه‌ها، دانشجویان و علاقه‌مندان حوزه نشر و مطالعه همراه بود و فضایی سرشار از تکریم دانایی و ترویج فرهنگ کتاب فراهم آورد.

در بخشی از این برنامه، از شهردار بندرعباس به دلیل نقش‌آفرینی مؤثر در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در فرهنگسراها، توسعه فضاهای مطالعه شهری و حمایت از نویسندگان و پژوهشگران بومی برای چاپ و انتشار آثار خود، با اهدای لوح سپاس تجلیل شد.

سخنرانی‌های تخصصی درباره چرایی توجه مقام معظم رهبری به حوزه کتاب، نمایش بخش‌هایی از تقریظ‌ها، ارج‌گذاری به مقام کتابداران به‌عنوان قهرمانان خط مقدم دانایی، و ارائه گزارش‌هایی از فعالیت‌های فرهنگی شهر، از دیگر محورهای این مراسم بود. این آئین با تجلیل از فعالان حوزه کتاب، تقدیر از اعضای برتر کتابخانه‌ها و رونمایی رسمی از تقریظ‌های جدید رهبر انقلاب پایان یافت.

هم‌زمان با سراسر کشور، آئین گرامیداشت روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار و مراسم رونمایی از تقریظ مقام معظم رهبری بر سه کتاب برگزیده، با حضور مسئولان، رزمندگان، فرهنگیان، دانشجویان و اهالی کتاب در سالن همایش دانشگاه فرهنگیان بندرعباس برگزار شد؛ آیینی که در آن از شهردار بندرعباس نیز به پاس توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و حمایت از نویسندگان بومی تجلیل شد.

به گزارش امید ساحل؛ آئین ملی گرامیداشت روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار به همراه رونمایی از تقریظ مقام معظم رهبری بر سه اثر خانوم ماه، تب ناتمام و همسفر آتش و برف هم‌زمان با سراسر کشور و با بخش زنده از شبکه‌های استانی و ملی، در سالن همایش دانشگاه فرهنگیان بندرعباس برگزار شد.

این مراسم با حضور جمعی از مسئولان استانی، رزمندگان دوران دفاع مقدس، نویسندگان،

رونمایی از کتاب تأثیر شبکه شهرهای خلاق یونسکو همزمان با ششمین سال عضویت بندرعباس در این شبکه



توسعه شهرهای منطقه گفت: بهره‌گیری از ظرفیت‌های یونسکو در توسعه شهری اقدامی ارزشمند است. بندرعباس برای لارستان همواره نقطه‌ای استراتژیک و مرکز تبادلات فرهنگی و اقتصادی بوده و پیشنهاد می‌شود سازوکار خواهرخواندگی دو شهر در شورای شهر بندرعباس بررسی و پیگیری شود. در پایان مراسم، از ۱۲ نویسنده فعال شهرداری بندرعباس شامل: علی کمالی‌زاده، حسین حسین‌زاده شهابی، رحمت‌اله دهقانی، ابودر حیدری‌زاده، آذین معتمد کیوان، فرجام دانش، حسین نصیری‌زاده، فوزیه سالاری، حمیدرضا حیدری‌پوری، مصطفی خادم، نسیم صمصام‌پور و احمد پایدار تقدیر به‌عمل آمد.

در بخش ویژه خبری پس از پایان مراسم، نوبانی شهردار بندرعباس با حضور در محل برگزاری رویداد، ضمن تبریک هفته کتاب و کتابخوانی از تلاش‌های مرکز خلاقیت و مرکز اسناد تاریخی تقدیر کرد و با اشاره به نقش اسناد شهری در سیاست‌گذاری فرهنگی، اظهار داشت: انتقال تاریخ و هویت شهر به آیندگان، زمینه‌ساز ماندگاری آیین‌ها و سنت‌ها و تقویت هویت بصری شهر است.

مجموعه مدیریت شهری بندرعباس در تعامل مستمر با نهادهای فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور برای معرفی ظرفیت‌های بندرعباس و استان هرمزگان در سطح ملی و بین‌المللی تلاش می‌کند. استمرار برند شهر خلاق برای بندرعباس و اثرگذاری آن در اقتصاد فرهنگ، از اهداف کلیدی ماست.

منطقه است. استاد غلام وکیلی، شاعر و پژوهشگر ادبی، نیز ضمن قرائت اشعاری از فردوسی، به مناسبت هفته کتاب قطعه شعری را به رئیس مرکز اسناد تاریخی تقدیم کرد. شهابی به عنوان نماینده مترجم اثر، گزارشی از اهداف شبکه شهرهای خلاق یونسکو ارائه داد و گفت: شبکه شهرهای خلاق از سال ۲۰۰۴ با رویکرد توسعه پایدار مبتنی بر فرهنگ شکل گرفته و هم‌اکنون ۴۰۹ شهر از ۹۰ کشور را شامل می‌شود. بندرعباس به همراه پنج شهر ایرانی و شهرهایی چون دب، شارجه، ابوظبی و الاسرا در کشورهای منطقه، در این شبکه فعال نقش‌آفرینی می‌کنند.

وی همچنین به برنامه‌های جاری شهر بندرعباس از جمله طراحی لباس‌های سنتی به شیوه نو، اجرای مسابقات طراحی المان‌های بومی و توسعه برنامه‌های خلاقانه شهری اشاره کرد. احمد مرادی نماینده مردم هرمزگان در مجلس نیز ضمن قدردانی از فعالان حوزه تاریخ و فرهنگ، بر نامگذاری معابر و فضاهای شهری به نام چهره‌های ماندگار فرهنگی در زمان حیات آنان تأکید کرد.

مصیب نظری عضو شورای اسلامی شهر بندرعباس نیز هویت‌نگاری را یک ضرورت اجتماعی دانست و اعلام کرد که طرح نامگذاری معابر به نام چهره‌های ماندگار در قید حیات به شهرداری ارائه شده و در حال پیگیری است. فرودی شهردار لارستان نیز با اشاره به نقش شبکه یونسکو در

آیین رونمایی از کتاب تأثیر شبکه شهرهای خلاق یونسکو در سطح محلی، ملی و بین‌المللی هم‌زمان با فرارسیدن ششمین سال عضویت بندرعباس در شبکه جهانی شهرهای خلاق یونسکو، با حضور مدیران شهری، نویسندگان، پژوهشگران و فعالان فرهنگی در سالن مرکز اسناد تاریخی برگزار شد. مراسم رونمایی از کتاب تأثیر شبکه شهرهای خلاق یونسکو در سطح محلی، ملی و بین‌المللی تألیف دکتر لورنزو کیلگرن گراندی و ترجمه فاطمه کامرانی، روز ۲۸ آبان ۱۴۰۴ به میزبانی مرکز خلاقیت و فناوری‌های نوین و مرکز اسناد تاریخی برگزار شد.

این برنامه با هدف تقویت فعالیت‌های علمی و پژوهشی مرتبط با شبکه شهرهای خلاق و تبیین دستاوردهای فرهنگی و هویتی بندرعباس در این شبکه جهانی اجرا گردید. در ابتدای مراسم، عادل فخاریان مدیر مرکز خلاقیت و فناوری‌های نوین شهرداری بندرعباس با ارائه گزارشی از روند فعالیت‌های پژوهشی این مرکز، بر ضرورت مستندسازی تاریخ، فرهنگ و هویت شهری و نقش آن در توسعه پایدار تأکید کرد. وی افزود: معرفی نویسندگان نوظهور و ایجاد بسترهای تعامل میان اصحاب فرهنگ از رویکردهای اصلی این مرکز است.

در ادامه، علی رضایی و غلام وکیلی به نمایندگی از جامعه نویسندگان هرمزگان به بیان دیدگاه‌های تخصصی پیرامون اهمیت تاریخ‌نگاری، حفاظت از میراث فرهنگی و نقش ادبیات معاصر در توسعه فرهنگی شهر پرداختند.

استاد علی رضایی نویسنده و پژوهشگر برجسته استان در سخنانی با تأکید بر ظرفیت‌های فرهنگی بندرعباس، این شهر را شاهراه فرهنگی منطقه دانست و بر ضرورت احیا، انتشار و بازخوانی اسناد تاریخی ارزشمند همچون مجموعه آثار سدیدالسلطنه تأکید کرد. وی بندرعباس را شهری دارای قابلیت تبدیل شدن به شهر موزه‌ها معرفی کرد و گفت: میراث فرهنگی و آیین‌های بومی این شهر شناسنامه هویت



سیم کارت سفید؛ آینه تمام نمای یک تبعیض آشکار



عبداسلام جمالی



به روزرسانی اخیر پلتفرم ایکس، ناخواسته پرده از واقعیتی برداشت که سال‌ها پنهان مانده بود: وجود دو نوع اینترنت در کشور؛ یکی برای عموم مردم و دیگری برای گروهی محدود که بدون فیلتر به جهان آنلاین متصل‌اند. قابلیت‌هایی که در جهان برای امنیت و شفافیت طراحی شده، در ایران به ابزار افشای تبعیض بدل شد.

است. به همین دلیل، «سیم‌کارت سفید» به ضرورتی تبدیل شده است که بدون آن نمی‌توان در دنیای امروز حضور مؤثر داشت. اما سوال اینجاست: اگر اینترنت آزاد برای کار آن‌ها ضروری است، چرا برای مردم ضروری نباشد؟ ماجرای اصلی، سیم‌کارت سفید نیست؛ مسئله ریشه‌ای‌تر است. فیلترینگی که سال‌هاست بدون نتیجه، بدون کارآمدی و بدون رضایت عمومی ادامه یافته، خود به منبع بحران تبدیل شده است. محدودیتی که نه امنیت آورده و نه اعتماد، اما تبعیضی آشکار ایجاد کرده: اینترنت آزاد برای تصمیم‌سازان، فیلتر برای تصمیم‌گیرندگان اصلی یعنی مردم. وقتی شهروندان می‌بینند که طراحان سیاست‌های محدودکننده به اینترنت بدون فیلتر دسترسی دارند، بی‌اعتمادی طبیعی است. هیچ سیاستی بر پایه تبعیض دوام نمی‌آورد. واقعیت این است که اگر خطوط ویژه قطع شود، صف مخالفان رفع فیلتر بسیار کوتاه‌تر خواهد شد. راه‌حل روشن و ساده است: یا همه را فیلتر کنید (که امکان‌پذیر نیست)، یا فیلترینگ را برای همه بردارید (که تنها راه منطقی است). پایان دادن به اینترنت طبقاتی، نخستین قدم برای بازسازی اعتماد و باز کردن مسیر توسعه دیجیتال کشور است.

مشاهده موقعیت برخی حساب‌های کاربری نشان می‌دهد که حتی افرادی که آشکارا از فیلترینگ دفاع می‌کنند، خود با اینترنت آزاد به شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند. این تناقض به یک پرسش اساسی می‌رسد: چرا کسانی که مردم را به استفاده از اینترنت فیلترشده فرامی‌خوانند، نمی‌توانند با همان اینترنت فعالیت کنند؟

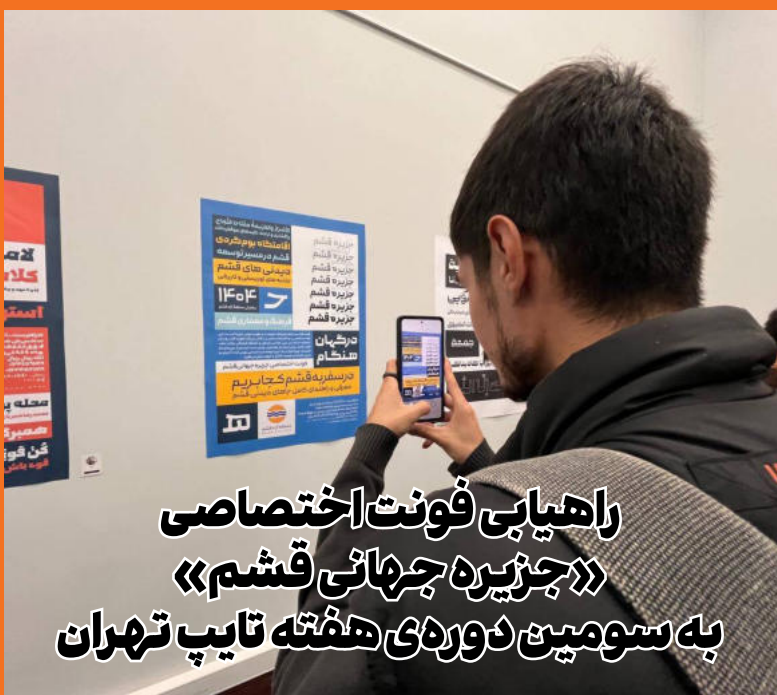
پاسخ روشن است؛ فیلترشده بودن، کار را مختل می‌کند. سیاست‌ورزی، رسانه‌داری، تولید محتوا و حتی حضور در فضای عمومی جهان بدون اینترنت آزاد ممکن نیست. دقیقاً همان مشکلاتی که میلیون‌ها شهروند هر روز با آن دست‌به‌گریبان‌اند، برای آنان نیز غیرقابل تحمل

فونت اختصاصی «جزیره جهانی قشم» با رأی قاطع هیئت انتخاب، در میان آثار برجسته‌ی سومین دوره‌ی هفته تایپ تهران قرار گرفت؛ رویدادی که معتبرترین میدان نمایش توانایی‌های تایپ فارسی و عربی در ایران محسوب می‌شود.

هویت فرهنگی قشم؛ ستون اصلی موفقیت اثر
فونت «جزیره جهانی قشم» نه صرفاً یک طراحی تایپ، بلکه بازآفرینی لایه‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی قشم در قالب نوشتار است. این فونت حاصل یک مسیر پژوهش‌محور عمیق بر روایت‌های تاریخی و فرهنگ بومی جزیره بوده و توانسته هویت پیچیده و چندلایه‌ی قشم را در ساختاری معاصر و دقیق تجسم دهد. همین پیوند اصیل میان دانش میدانی، روایت فرهنگی و طراحی جلوه‌گر، یکی از مهم‌ترین عوامل تحسین و تمجید هیئت انتخاب و داوران رویداد بود. به‌گفته داوران، این اثر نمونه‌ای قابل استناد از این است که چگونه «هویت یک سرزمین» می‌تواند در سطح طراحی تایپ، تبدیل به زبان بصری معتبر و ماندگار شود. آنچه در نگاه داوران برجسته بوده، توانایی فونت در تبدیل مطالعه فرهنگی به یک

خروجی عملیاتی برای توسعه هویت برند جزیره قشم است؛ موضوعی که آن را از یک فونت سفارشی معمولی به یک «سرمايه بصری» ارتقا می‌دهد. این فونت در کنار دیگر آثار منتخب، در کتاب رسمی هفته تایپ تهران منتشر خواهد شد؛ کتابی که به‌عنوان مرجع حرفه‌ای تایپ فارسی شناخته می‌شود و ثبت اثر در آن به‌معنای تثبیت جایگاه فونت در حافظه رسمی طراحی تایپ است.

این رویداد از ۶ تا ۱۰ آذر ۱۴۰۴ در کوشک باغ هنر تهران برگزار می‌شود و شامل نمایشگاه آثار، نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی خواهد بود. برنامه‌ریزی شده است که نمایشگاه آثار منتخب پس از تهران در شهرهای دیگری نیز به نمایش گذاشته شود. راه‌یابی فونت «جزیره جهانی قشم» به مهم‌ترین رویداد تایپ کشور، تأیید مستقیمی بر کیفیت طراحی، رویکرد پژوهشی و توانایی آن در خلق یک هویت بصری ریشه‌دار است. این موفقیت، علاوه بر ارزش هنری و فرهنگی، گامی مؤثر در تثبیت هویت برند قشم به‌عنوان «جزیره جهانی» در سطح ملی و جهانی محسوب می‌شود.



راهیابی فونت اختصاصی «جزیره جهانی قشم» به سومین دوره‌ی هفته تایپ تهران

برادر ارجمند و گرامی جناب آقای مهندس امیری زاد

بدین وسیله به نمایندگی از جامعه اقتصادی استان هرمزگان انتصاب شایسته حضرتعالی به‌عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری صنایع کوچک و عضو شورای توسعه خوشه‌های کسب‌وکار کشور به‌موجب حکم صادره از سوی معاون محترم وزیر صنعت، معدن و تجارت را صمیمانه تبریک عرض می‌نماییم.

بی‌تردید سوابق ارزنده، تخصص ارزشمند و رویکردهای مسئولانه جنابعالی در حوزه صنعت و توسعه کسب‌وکار، پشتوانه‌ای مؤثر برای ارتقای سیاست‌های کلان و پیشبرد برنامه‌های ملی در زمینه تقویت صنایع کوچک و توسعه خوشه‌های کسب‌وکار کشور خواهد بود. امید

است همچون گذشته، حضور فعال و نقش‌آفرین شما موجب اعتلای هرچه بیشتر این بخش مهم از اقتصاد ملی گردد. توفیق و سربلندی روزافزون حضرتعالی را در خدمت به کشور از درگاه خداوند متعال خواستاریم.

◀ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان



امید ساحل: هفته نامه برتر جنوب



ملیحه نورالدینی:

سرمه بانوان از فوتسال هرمزگان فقط یک عکس یادگاری است!

فاطمه کریمی



کرد و گفت که بسیاری از بازیکنان مطرح هرمزگان تنها به دلیل مسائل مالی، هرمزگان را ترک کرده‌اند.

مطالبه‌ای که سال‌ها شنیده نشده

نورالدینی در پایان تأکید کرد که فوتسال بانوان هرمزگان برای رسیدن به جایگاه واقعی خود نیازمند سه تحول بنیادین است؛ تحولی که اگرچه بارها مطرح شده‌اند، اما تاکنون به شکل اجرایی پیگیری نشده‌اند. نورالدینی نخست خواستار آن شد که تمامی باشگاه‌های فعال استان به صورت الزام‌آور موظف به ایجاد تیم بانوان شوند؛ اقدامی که به باور او می‌تواند پایه‌های توسعه فوتسال زنان را در هرمزگان برای نخستین بار مستحکم کند.

وی در ادامه افزایش سقف قراردادهای بازیکنان فوتسال بانوان را ضرورتی اساسی دانست و گفت بدون ایجاد توازن مالی، هر سال تعداد بیشتری از استعدادهای استان راهی شهرهای دیگر خواهند شد. همچنین بر عدالت آموزشی تأکید کرد و افزود که دوره‌ها و سمینارهای مربیگری باید به مربیان فعال، باسابقه و اثرگذار برسد، نه به افراد غیرمرتبطی که صرفاً از مسیر رابطه انتخاب می‌شوند. نورالدینی اضافه کرد: «فوتسال بانوان هرمزگان زنده است و جلو می‌رود، اما بدون حمایت واقعی، عدالت ساختاری و تصمیم‌گیری‌های جدی، نمی‌توان انتظار جهش داشت.»

چشم‌انداز فوتسال بانوان هرمزگان؛ ظرفیت‌هایی که دیده نمی‌شوند

اگرچه روایت نورالدینی بازتابی از چالش‌های مزمن فوتسال بانوان هرمزگان است، اما این استان در کنار مشکلات ساختاری، از ظرفیت‌هایی برخوردار است که در صورت مدیریت منسجم می‌تواند به یکی از قطب‌های اصلی فوتسال ایران تبدیل شود. هرمزگان اکنون از نظر نیروی انسانی، استعدادهای نوجوان و زیرساخت‌های پایه‌ای، وضعیت به مراتب بهتری نسبت به بسیاری از استان‌های هم‌سطح دارد؛ اما این پتانسیل‌ها به دلیل نبود برنامه‌ریزی بلندمدت و ضعف سیاست‌گذاری، هنوز به خروجی پایدار نرسیده‌اند. یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های کمتر دیده‌شده، حضور نسل جدیدی از دختران فوتسال‌یست است که از رده‌های پایه وارد این رشته شده‌اند؛ نسلی که برخلاف گذشته از سنین پایین با مربیان متخصص کار می‌کنند و توانایی فنی آن‌ها نشان می‌دهد که با یک برنامه‌ریزی منسجم می‌توان نیم‌فصل نونهالان و جوانان را به یک آکادمی رسمی استان تبدیل کرد. مربیان پایه نیز سال‌هاست تأکید می‌کنند که اگر یک لیگ منظم و حداقل سه مرحله‌ای برای رده‌های سنی نوجوانان و جوانان برگزار شود، خروجی فنی تیم‌های بزرگسالان در مدت کوتاهی جهش چشم‌گیر خواهد داشت.

ملیحه نورالدینی، ورزشکار و مربی باسابقه هرمزگانی، با کارنامه‌ای کم‌نظیر شامل هفت قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ساحلی کشور، شش قهرمانی در لیگ برتر فوتسال کشور، سال‌ها حضور در رده‌های مختلف ملی، کشوری و استانی، رکورد تاریخی تنها بازیکنی که در سال ۱۳۸۹ مقابل تیم ملی حفاری اهواز در لیگ برتر در عرض سه دقیقه چهار گل به ثمر رساند، ثبت قهرمانی کشور بدون شکست در نخستین تجربه سرمربیگری تیم فوتبال ساحلی شهرداری بندرعباس، در گفت‌وگویی به مجموعه‌ای از چالش‌های ریشه‌دار در فوتسال بانوان هرمزگان پرداخت؛ چالش‌هایی که به گفته او «سال‌ها میان وعده‌های مدیریتی گم شده‌اند و همچنان پابرجا هستند.»

امکانات هست؛ اما دسترسی بانوان محدود است

نورالدینی کیفیت سالن‌های ورزشی استان را قابل قبول توصیف کرد، اما تأکید داشت که تبعیض در تخصیص سانس‌های تمرینی اصلی‌ترین مانع فعالیت تیم‌های بانوان است. وی توضیح داد: «سانس‌های طلایی عصرها تقریباً همیشه در اختیار آقایان قرار می‌گیرد و بانوان مجبورند در زمان‌های کم‌اثر تمرین کنند. این رویه نه تنها ناعادلانه است، بلکه سطح تمرینات را به شدت پایین می‌آورد.»

فوتسال بانوان بدون اسپانسر نفس می‌خشد

به باور نورالدینی، نبود حمایت مالی و اسپانسر در هرمزگان همچنان یک معضل حل‌نشده است. او گفت: «مدل اقتصادی فوتسال بانوان هنوز برای باشگاه‌ها جذاب نشده و چون خرید و فروشی در این بخش وجود ندارد، سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود. همین موضوع باعث شده تیم‌های بانوان بعد از سال‌ها تلاش، همچنان با کمترین امکانات ادامه بدهند.»

غلبه روابط بر شایستگی در انتخاب مربیان برای دوره‌ها

نورالدینی که هم در زمینه آموزش و هم مربیگری سابقه طولانی دارد، در بخش دیگری از گفت‌وگو به بی‌عدالتی در انتخاب‌های آموزشی اشاره کرد و گفت: «بارها دیده‌ام افرادی برای دوره‌های مهم انتخاب شده‌اند که حتی در شهر خودشان یک کلاس فعال هم ندارند. این موضوع رشد مربیان واقعی استان را متوقف می‌کند.»

وضعیت لیگ و مهاجرت بازیکنان

او وضعیت فنی لیگ هرمزگان را مناسب دانست اما کمبود تیم‌ها و فاصله زیاد بین مسابقات را مانع شکل‌گیری یک رقابت حرفه‌ای دانست. نورالدینی مهم‌ترین دلیل مهاجرت استعدادهای استان را پایین بودن سقف قراردادهای عنوان



گسترش معادن، آخرین پناهگاه‌های طبیعی این گونه جانوری را تهدید می‌کند؛ روزگاری سیاه برای خرس سیاه هرمزگان

عکس: مرتضی آریانژاد

نمایشگاه حیات وحش هرمزگان دعوت‌نامه رسمی به شهرداری بندرعباس ارسال شد، اما هیچ‌کس حضور پیدا نکرد. در نهایت، پرسش اصلی همچنان در گزارش او مطرح می‌شود: وقتی بسیاری از زیستگاه‌های خرس سیاه در رودان نابود شده و مناطق باقیمانده نیز در حال صدور مجوزهای جدید معدن است، چه نهادی مسئول توقف این روند است؟ چرا استانداری و اداره صنعت و معدن با وجود هشدارهای مکرر، جلوی این تخریب را نمی‌گیرند؟ و اگر امروز اقدام نشود، چه زمانی قرار است برای بقای خرس سیاه آسیایی تصمیمی جدی گرفته شود؟ آریانژاد بارها تأکید می‌کند: «اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، سرنوشت خرس سیاه آسیایی همان خواهد شد که امروز یوزپلنگ ایرانی با آن روبه‌روست؛ میلیارد‌ها هزینه شد اما نتیجه، نزدیک شدن به انقراض بود. اما برای خرس سیاه آسیایی هنوز دیر نشده است».

پرداخت فوری خسارت، و در مرحله‌های بعدی، برنامه‌های تغذیه هدفمند و علمی در شرایط بحرانی که در جهان نیز تجربه شده است. او تأکید می‌کند که این تغذیه باید با روش‌های استاندارد انجام شود تا فقط خرس از آن بهره‌برد و تعارض افزایش نیابد. در میان روایت مشکلات خرس سیاه، آریانژاد بارها به موضوع تنوع زیستی شگفت‌انگیز و ناشناخته هرمزگان اشاره دارد. از دید او، استان هرمزگان یکی از غنی‌ترین نقاط کشور است؛ جایی که بهترین زیستگاه‌های پلنگ ایرانی، گونه‌های کمیابی از مارهای نادر، و پرنده‌گانی مانند «جغد عمانی» در آن دیده شده‌اند. او می‌گوید این گونه‌خاص که در هرمزگان دیده شده، تا چند سال پیش تصور می‌شد فقط در عمان وجود دارد. این همه تنوع جانوری در استان، در کنار بی‌توجهی دستگاه‌های شهری، شهرداری‌ها و شوراهای شهر قرار گرفته است. او می‌گوید برای

نمی‌دهد. نتیجه این تأخیرها، آن‌طور که آریانژاد می‌گوید، واکنش‌های تلافی‌جویانه و گاه کشتن خرس‌هاست. با این حال تلاش‌های مردمی نیز برای احیای منابع غذایی این جانور در سال‌های گذشته انجام شده؛ سال گذشته، مؤسسه هرموز پروژه بازسازی «درین‌ها» (سازه‌های سنتی آبخیزداری که خاک را پس از بارندگی جمع می‌کنند و بستری برای رشد نخلستان‌های کوهستانی فراهم می‌سازند) را آغاز کرد؛ نخلستان‌هایی که برای خرس سیاه حکم انبار غذایی طبیعی دارند. برای این پروژه حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان هزینه شد؛ اما همان‌طور که آریانژاد می‌گوید، تقریباً تمام این مبلغ از کمک‌های مردمی خارج از استان تأمین شد و «حتی یک ریال» آن هم از نهادهای دولتی پرداخت نشد. احیای زیستگاه خرس سیاه، که سرمایه طبیعی هرمزگان است، نیازمند نگاهی ویژه است. اما نبود مشارکت دولتی تنها به این پروژه محدود نمی‌شود. او معتقد است که صنایع بزرگ استان که از محیط و منابع طبیعی هرمزگان بهره می‌برند، باید بخشی از مسئولیت اجتماعی خود را به حفاظت از خرس سیاه اختصاص دهند. این مطالبه طی چند سال اخیر بارها مطرح شده اما هنوز هیچ صنعت یا شرکت بزرگی به‌طور رسمی «حامی خرس سیاه هرمزگان» نشده است. او می‌گوید: «در گل‌گهر سیرجان، برای پروژه‌های حیات‌وحش سرمایه‌گذاری مؤثر انجام می‌شود. اما در استان هرمزگان هیچ پشتیبانی نداریم.» آریانژاد راهکارهای پیشنهادی از اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت برای حفظ و نگهداری این گونه خاص ارائه کرد: نمونه‌ای از آن‌ها، ساخت آغل‌های مستحکم با آهن و توری‌های قوی، آموزش مستقیم دامداران، ایجاد سازوکار

هرمزگان آخرین گستره حضور آن محسوب می‌شود. زیستگاه‌هایی که خرس سیاه بذر درختان آن را پخش می‌کند و پوشش گیاهی دره‌ها را تقویت می‌کند. با این حال، براساس داده‌های میدانی، بسیاری از زیستگاه‌های رودان امروز بر اثر فعالیت‌های معدنی تخریب شده‌اند. آریانژاد می‌گوید بسیاری از مردم هرمزگان حتی نمی‌دانند چنین گونه‌ای در استان وجود دارد؛ عدم آگاهی که سال‌هاست از مرز شهروندان گذشته و به تصمیم‌گیران استان رسیده است. او روایت می‌کند زمانی که برای هماهنگی نمایشگاه عکس حیات‌وحش مراجعه کردم، یکی از مسئولان از او پرسید: «مگر هرمزگان خرس دارد؟» این جمله به‌تنهایی تصویری روشن از وضعیت فرهنگ محیط‌زیستی استان ارائه می‌دهد؛ استانی که بر اساس مطالعات خود او، یکی از سه قلمرو مهم خرس سیاه در ایران و مهم‌تر از آن، غربی‌ترین گستره شناخته‌شده این گونه در جهان است. بیش از ۸۰ درصد رژیم غذایی خرس سیاه در استان هرمزگان از گیاهان است. بررسی نمونه‌های سرگین که تیم آریانژاد طی سال‌های گذشته جمع‌آوری کرده نشان می‌دهد خرما، بنه، زیتون وحشی (هبر) و کنار مهم‌ترین منابع غذایی آن هستند. اما همین خرس، امروز به دلیل نبود غذا در زیستگاه‌های تخریب‌شده ناچار می‌شود به سمت دام‌های روستاییان برود؛ اتفاقی که به گفته آریانژاد در سال‌های اخیر افزایش یافته و برخی دامداران، به‌ویژه در رودان، خسارت‌های مستقیم دیده‌اند. اما موضوع مهم‌تر از خسارت، سازوکار پرداخت آن است؛ خسارتی که گاه سه تا چهار سال پس از حادثه پرداخت می‌شود، زمانی که دامدار در شرایط تورمی کشور مبلغی دریافت می‌کند که یک‌پنجم ارزش واقعی دامش را هم پوشش



زهرا شه‌کرمی

در مناطق شرقی استان هرمزگان، جایی که بخشی از کوهستان‌های آن باید پناهگاه امن یکی از ارزشمندترین گونه‌های آسیا باشد. شاهد حجم عظیمی از معادن در زیستگاه‌های خرس سیاه آسیایی هستیم. زیستگاه‌های بسیاری از بین رفته و بخش‌هایی که باقی مانده نیز در آستانه صدور مجوزهای جدید قرار دارد. گونه‌ای که در فهرست سرخ اتحادیه جهانی حفاظت «به‌شدت در خطر انقراض» است اما نه تنها مردم عادی، بلکه بخشی از مسئولان استان از وجودش بی‌خبرند و در نمایشگاه‌های رسمی حتی با دیدن عکس‌هایش شگفت‌زده می‌شوند. این گزارش بر اساس گفت‌وگو با مرتضی آریانژاد، مدیر مؤسسه حامیان حیات‌وحش هرموز، روایتی از نابودی آرام یک زیستگاه، بی‌توجهی مسئولین در دستگاه‌های مختلف و آینده‌ای است که اگر اکنون اقدامی جدی نشود، تبدیل به یک انقراض کامل و غیرقابل بازگشت خواهد شد.

مرتضی آریانژاد بیش از ده سال است که همراه با تیم مؤسسه حامیان حیات‌وحش هرموز، در مسیرهای دشوار هشت‌پندی تا بشاگرد و رودان برای حفظ و بقای گونه‌های در خطر انقراض استان تلاش می‌کند. مناطقی که به‌ظاهر دورافتاده‌اند، اما در حقیقت شریان‌های حیاتی تنوع زیستی هرمزگان به‌شمار می‌روند. خرس سیاه آسیایی یکی از این گونه‌های ارزشمند است؛ گونه‌ای کم‌نظیر که پراکندگی جهانی آن از ژاپن تا جنوب ایران امتداد دارد و شرق و شمال

